

مؤلفه‌های معرفتی و ساختاری سرمایه اجتماعی اسلام در مورد تحقق «اتحاد جماهیر آزاد اسلامی» از منظر امام خمینی(ره)

غلامحسین مقیمی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱/۱۹

تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۲/۱۰

چکیده

اگرچه امام خمینی اصطلاح سرمایه اجتماعی را بیان نکرده‌اند، ولی مفهوم، مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن را در عرصه‌های مختلف روابط افراد، نهادها و دولت‌های اسلامی به کار برده‌اند. این مقاله در صدد بررسی مؤلفه‌های فوق و نسبت آن با وحدت و همگرایی جهان اسلام است. در نگاهی کلی و فرا نگرانه می‌توان گفت که امام خمینی اتحاد و انسجام اسلامی را در دو سطح ملی و منطقه‌ای طرح کرده‌اند. در سطح ملی به دنبال ایجاد وحدت بین دولت و ملت با مؤلفه‌های مشارکت سیاسی، اعتماد، همیاری و حس همکاری بر اساس مبانی ارزشی، و در سطح منطقه‌ای نیز به دنبال وحدت کشورهای اسلامی بر اساس مؤلفه‌های استقلال، آزادی، جمهوریت و بیداری اسلامی بوده‌اند. آموزه‌های اسلامی به منزله سرمایه اجتماعی بر روی اندیشه سیاسی امام خمینی در خصوص وحدت و همگرایی دول اسلامی تأثیر داشته و در نهایت به لحاظ نظری منجر به تأسیس دولت بزرگ اسلامی به نام «اتحاد جماهیر آزاد اسلامی» می‌شود.

واژه‌های کلیدی:

سرمایه اجتماعی اسلام، انسجام اسلامی، امام خمینی، اتحاد، جماهیر.

سیاست متعالیه

- سال سوم
- شماره هشتم
- بهار ۹۴

مؤلفه‌های معرفتی
و ساختاری سرمایه
اجتماعی اسلام
در مورد تحقق...
(۱۲۵ تا ۱۴۴)

۱. ضرورت و اهمیت

برای درک ضرورت و اهمیت وحدت دولت‌های اسلامی، کافی است نگاهی به تحولات اخیر نظام بین‌الملل از یک سو و اختلافات و تعصبات کور فرق و مذاهب اسلامی از طرف دیگر بیفکنیم.

در سطح مناقشات بین‌الملل - که چندین دهه پیاپی مبتنی بر بلوک‌بندی ایدئولوژی لیبرالیسم در برابر مکتب کمونیسم بوده است - کمونیسم در آستانه سده بیست و یکم فرو پاشید. در پی آن، مناسبات نظام جهانی بر اساس نظریه پردازان خوش‌بین: «تک‌قطبی لیبرالی» و بر اساس دیدگاه نظریه پردازان واقع‌گرا: «نزاع چند قطبی تمدنی» پیش‌بینی شده است. در این میان، آنچه بیش از همه برای دنیای اسلام اهمیت دارد، بازخوانی سرمایه اجتماعی خویش و درک صحیح شرایط جدید نظام بین‌الملل است. بی‌شک، امروز هژمونی قدرت‌های بزرگ غربی، دوران گذار و فترت را تجربه می‌کند و لذا با خلق مفاهیمی از قبیل «تروریسم»، «ژئوپلیتیک شیعه و قوس سنی»، «پایان تاریخ»، «جنگ تمدن‌ها» و «نظم نوین جهانی»، به دنبال پیدا نمودن الگوی جدیدی از بلوک‌بندی سلطه جهانی است. بدین لحاظ، تحولات جدید خاورمیانه، بازگشت نئومحافظه‌کاران آمریکا به استعمار قدیم و نیز اشغال نظامی مناطق ژئوپلیتیک جهان اسلام، به طور آشکار و پنهان در مرزبندی جدید نظریه جنگ تمدن‌ها نهفته است، که به‌طور مستقیم به دنبال جلوگیری از اتحاد و انسجام اسلامی و دیگر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی جهان اسلام است تا از احیای مجدد تمدن اسلامی در منطقه خاورمیانه جلوگیری نماید.

اما در سطح مناقشات فرقه‌ای جهان اسلام، با کمال تأسف در سال‌های اخیر، تعصبات کور گروه‌های افراطی مذهبی را داریم که توسط سازمان‌های مخوف اطلاعات، عملاً به منازعات نظامی و سازمانی کشانیده شده است. هم اکنون این مرزبندی سخت‌افزارانه، سرمایه‌های نرم‌افزارانه بالقوه مسلمانان را به تحلیل برده، به جای همگرایی، موجب خشونت، قتل، ترورهای متعدد و دسته جمعی شده است. بدین لحاظ، مسلمانان به جای همبستگی مذهبی در برابر دشمن مشترک، به دلایل برداشت‌های عوامانه فرقه‌ای، سیاسی و قومی، در مقابل هم صف کشیدند. در چنین موقعیتی، توجه به آموزه‌های اسلام، به منزله سرمایه اجتماعی جهان اسلام، نه تنها ضرورت دارد، بلکه تنها نسخه بیماری مزمنی است که به تکرار توسط فریادگر بیداری اسلامی، امام راحل (ره)، طنین‌انداز شد و هم اکنون با توجه به تحولات منطقه‌ای و بیداری اسلامی، اهمیت آن دو چندان شده است.

۲. طرح مسئله

از منظر امام خمینی (ره)، مهم‌ترین و کلیدی‌ترین اصل در سیاست خارجی درباره جهان اسلام، اصل اتحاد و انسجام اسلامی است. به لحاظ فراوانی کاربرد الفاظ در لسان امام خمینی (ره)، بی‌تردید واژه همگرایی جهان اسلام اهمیت بسیاری دارد، تا جایی که امروزه از ایشان به عنوان یکی از بزرگ‌ترین منادیان وحدت و همگرایی جهان اسلام یاد می‌شود. کثرت آثار محققانی که اتحاد را از منظر امام خمینی (ره) بحث نموده‌اند، شاهد بر این مدعا است.

مقاله حاضر به دنبال این سؤال اصلی است که آیا اساساً می‌توان فراوانی عبارات امام خمینی (ره) در مورد مؤلفه اتحاد و انسجام اسلامی را به عنوان یکی از شاخص‌های مهم سرمایه اجتماعی، در قالب الگویی نظری در سطح جهان اسلام ارائه نمود؟ فرضیه اجمالی این است که امام خمینی (ره) در طرح شعار وحدت و انسجام اسلامی، به منزله یکی از تکالیف دینی صادق بوده و هیچ‌گاه وحدت تاکتیکی، ملی یا ایدئولوژیکی را مدنظر نداشته و لذا در طول تلاش‌های وحدت‌گرایانه خود دچار سطحی‌نگری و کلی‌گویی نشده است. ایشان اتحاد کشورهای اسلامی را به مثابه یک راهبرد، از متن مبانی دینی و فرهنگی طرح کرده است که از میان سه مفهوم آزادی سیاسی، استقلال سیاسی و بیداری اسلامی قابل ردیابی است. بر این اساس، سرمایه اجتماعی در اندیشه امام خمینی (ره) در خصوص اتحاد و انسجام اسلامی، معادله سه مجهولی (معرفتی، ساختاری و بیداری اسلامی) است. که در یک ساز و کار منطقی منجر به اتحاد جمهوری‌های آزاد اسلامی در سطح جهان و اسلام خواهد شد. بدین لحاظ، متغیر وابسته تحقیق، اتحاد جمهوری‌های آزاد اسلامی و متغیر مستقل آن، بیداری اسلامی و نیز متغیر واسط آن، انسجام اسلامی است.

این مقاله می‌کوشد تا ضمن توجه به مبانی و مبادی مفهومی بحث، نظریه و الگوی انسجام اسلامی از منظر امام خمینی (ره) را جست‌وجو و مدل‌سازی نموده و در ضمن مباحث، راهکارهای عملی امام خمینی (ره)، جهت تحقق آن را تحلیل کند.

۳. مفاهیم

الف) مفهوم اتحاد و انسجام اسلامی

واژه انسجام اسلامی به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در عرصه جهان اسلام در برابر واگرایی اسلامی به معنای همبستگی، همراهی، هماهنگی، وفاق و همگرایی اسلامی است؛ کما اینکه همبستگی را به مشارکت، احساس تعلق و وابستگی دو یا چند چیز (دهخدا، لغت‌نامه: ۲۰۸۴) و همراهی را به همراه بودن در انجام کاری به طور هماهنگ (همان:

سیاست متعالیه

- سال سوم
- شماره هشتم
- بهار ۹۴

مؤلفه‌های معرفتی
و ساختاری سرمایه
اجتماعی اسلام
در مورد تحقق...
(۱۲۵ تا ۱۴۴)

۲۰۸۵) و هماهنگی را به تناسب و سازگاری اجزای یک پدیده با پدیده دیگر و وفاق را توافق جمعی بر سر مجموعه‌ای از اصول و قواعد (چلبی، ۱۳۷۲: ۱۷) معنا کرده‌اند. مقصود از اتحاد و انسجام اسلامی، عبارت است از: «همکاری و تعاون پیروان مذاهب اسلامی براساس اصول مسلم و مشترک اسلامی و اتخاذ موضع واحد برای تحقق اهداف عالیه ایمان اسلامی و موضع‌گیری واحد در برابر دشمنان اسلام و احترام به التزام قلبی و عملی هر یک از مسلمانان به مذهب خود». (مجله اندیشه تقریب، بهار ۱۳۸۴: ۲۲)

بنابراین وحدت و انسجام اسلامی به معنای همگرایی پیروان مذاهب مختلف اسلامی در عین وجود اختلافات مذهبی است؛ چرا که حذف اختلاف و تنوع فکری و مذهبی در وضعیت فعلی اگر محال نباشد بسیار مشکل است، ولی آنچه مطلوب و شدنی است، یافتن راهبردهای نظری و عملی برای مدیریت صحیح پدیده تعدد باورهای مذهبی و جلوگیری از آسیب‌ها و پیامدهای زیانبار واگرایی اسلامی است.

بنابراین پذیرش حضور دیگری و به رسمیت شناختن اختلاف و تنوع افکار را باید نخستین و چه بسا مهم‌ترین گام و مبنای اندیشه وحدت به شمار آورد. (حیدری، ۱۳۷۶: ۷۸) بررسی آثار امام خمینی (ره) بیانگر این مطلب است که تأکید وی بر وحدت، چنین مبنایی دارد. وی با نگاهی به اوضاع اجتماعی حاکم می‌فرماید: «رمز تمام گرفتاری‌های کشورهای اسلامی، اختلاف و عدم هماهنگی است و رمز پیروزی، وحدت کلمه و ایجاد هماهنگی» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۰: ۱۶۰) است. ایشان ضمن پذیرش اختلافات مذهبی، آن را مانع همبستگی در برابر دشمن خارجی نمی‌دانند: «البته سنی و شیعه در عقاید، در بسیاری از عقاید، مختلف‌اند... آزادند... عقاید مختلف، اسباب اختلافات خارجی چرا بشود». (همان، ج ۲۰: ۳۳) بدین لحاظ از منظر ایشان: «طرح اختلاف بین مذاهب اسلامی از جنایاتی است که قدرتمندان... دامن می‌زنند» (همان، ج ۱۵: ۱۷۰) و به طور کلی، «وحدت را برای حفظ کیان اسلام، گسترش اسلام عزیز و قدرتمند کردن جهان اسلام، امری حیاتی می‌دانند». (بابایی زارچ، ۱۳۸۳: ۲۱۸) از این رو از منظر امام خمینی (ره) وحدت ایدئولوژیکی وحدتی آرمانی و مطلوب است که در سطح مذاهب اسلامی، فعلاً زمینه آن فراهم نیست؛ ولی آنچه امروز ضروری و شدنی است، وحدت استراتژیکی به مثابه یک سرمایه اجتماعی بر اساس اصول مشترک اسلامی در برابر دشمن مشترک جهان اسلام است که کیان اسلام، منابع و ذخایر کشورهای اسلامی را مورد هدف قرار داده است. «آنهايي که می‌خواهند بین اهل سنت و اهل تشیع فاصله ایجاد کنند، نه سنی هستند و نه شیعه... اینها نیست جز اینکه قدرت‌های بزرگ فهمیده‌اند آن چیزی که آنان را عقب زده است اسلام و وحدت مسلمین و برادری بین همه امت اسلامی است». (تبیان، ۱۳۷۶: ۲۱۷)

ب) مفهوم سرمایه اجتماعی

مفهوم سرمایه اجتماعی از دو واژه سرمایه و جامعه ترکیب شده است. همان‌گونه که جامعه از پیوند و روابط میان افراد و گروه‌ها برای تأمین اهدافی خاص ایجاد شده، سرمایه نیز واژه‌ای است که از علم اقتصاد، عاریه و به علوم اجتماعی وارد شده است و لذا به لحاظ مفهومی و محتوا، کارکرد سخت افزارانه و ملموس خود را از دست داده و عنوان نرم‌افزارانه و نامرئی یافته است. از پیوند و تعامل میان سرمایه و اجتماع، منابعی تولید شد که در سال‌های اخیر، شرط نرم‌افزاری لازم برای توسعه و پیشرفت کشور تلقی گردید. این منابع نرم، غیر رسمی و نامرئی عبارتند از: ایجاد روابط گرم انسانی، گسترش انسجام اجتماعی، بسط مشارکت سیاسی، اعتماد متقابل، حس همکاری فزاینده و بسط ارزش‌های مشترک.

چنانچه ملاحظه شد، اگرچه واژه سرمایه اجتماعی، جدید است، ولی مفهومی قدیمی در قالبی جدید است که در پی ایجاد و گسترش اعتماد، مشارکت، همگرایی و انسجام اسلامی است. ظاهراً سرمایه اجتماعی را نخستین بار لیدا جادسون هانیفان در کتاب مرکز اجتماع (۱۹۲۰) و بعدها جین جاکوبز در کتاب مرگ و زندگی در شهرهای بزرگ آمریکا (۱۹۶۱) و در دهه ۱۹۷۰ گلن لوری و ایوان لایت مطرح کردند؛ اما در دهه ۱۹۸۰ به طور جدی و گسترده، رابرت پاتنام، پیر بوردیو، جیمز ساموئل کلمن، فوکویاما و دیگر اندیشمندان وارد مباحث اقتصادی، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی شده است. (علینی، ۱۳۸۷: ۶۲-۷۲/ کیان تاجبخش، ۱۳۸۹: ۳۴۷-۳۰۵)

از نظر پیر بوردیو، سرمایه اجتماعی، یکی از اشکال مهم سرمایه است که به طور مستقیم و غیرمستقیم بر روی سرمایه فرهنگی و اقتصادی تأثیر متقابل دارد. از نظر بوردیو، سرمایه اجتماعی، منافع و منابعی است که افراد به واسطه عضویت در شبکه و اعتماد اجتماعی به دست می‌آورند. از دیدگاه وی بدون سرمایه اجتماعی، سرمایه اقتصادی و فرهنگی، کارکرد خود را از دست می‌دهد. واژه کلیدی بوردیو، «فضای» اجتماعی، فکری و ادراکی است؛ یعنی وی افراد را به صورت انفرادی مد نظر قرار نمی‌دهد، بلکه بیشتر به فضای فکری و ادراکی بین افراد و شرایطی که میان آنها همگرایی ایجاد می‌کند، مد نظر قرار می‌دهد. (علینی، ۱۳۸۷: ۶۵)

وی تأکید می‌کند که سرمایه اجتماعی حتی می‌تواند دارایی‌های پولی فرد را تأمین یا افزایش دهد. بوردیو در این مورد به سرمایه فرهنگی به عنوان یکی از منابع مهم سرمایه اجتماعی تأکید دارد. بدین لحاظ می‌توان گفت هدف و کارویژه مهم سرمایه اجتماعی از نظر بوردیو، تأمین سرمایه و توسعه اقتصادی است. (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴) بر خلاف بوردیو،

سیاست‌متعالیه

• سال سوم
• شماره هشتم
• بهار ۹۴

مؤلفه‌های معرفتی
و ساختاری سرمایه
اجتماعی اسلام
در مورد تحقق...
(۱۳۵ تا ۱۴۴)

آقای جیمز کلمن (جامعه‌شناس برجسته آمریکایی)، تعریف ماهوی از سرمایه اجتماعی ارائه نمی‌دهد، بلکه از منظر کارکرد آن، تعریفی کارکردی ارائه می‌دهد. بدین لحاظ، سرمایه اجتماعی، جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی است که کنش‌های هدفمند کنش‌گران را به منظور تأمین سرمایه انسانی، تسهیل می‌کند. (همان) بنابر این تعریف می‌توان گفت نگاه کلمن از سرمایه اجتماعی، جنبه ساختاری دارد، یعنی بُعد ساختاری و نهادی را برجسته می‌کند که چگونه می‌تواند منبعی مهم برای عامه مردم، نه صرفاً نخبگان باشد.

به نظر می‌رسد که دقیق‌ترین و مهم‌ترین اندیشمند سرمایه اجتماعی، آقای رابرت پاتنام باشد. وی بر خلاف بوردیو و کلمن - که مباحث خود را در سطح افراد و خانواده متمرکز کرده بودند - با رویکردی کلان، از سرمایه اجتماعی سخن می‌گوید. هدف اصلی وی در آن، تأمین و کارآمدسازی دموکراسی است. بدین لحاظ، پاتنام، سرمایه اجتماعی را بخش‌هایی از سازمان اجتماعی، همانند اعتماد، هنجارها، همیاری و شبکه‌ها، که همکاری برای منافع متقابل را تسهیل می‌کند، تعریف می‌نماید. (فقیه، ۱۳۸۷: ۴۳ - ۵۳) بنابراین جامعه‌ای که دارای سه مؤلفه اعتماد اجتماعی تعمیم یافته، هنجارهای تعمیم یافته و شبکه‌های اجتماعی مشارکتی است، دارای سطح بالای سرمایه اجتماعی می‌باشد که امکان توسعه را در درون خود دارد.

می‌توان از مجموع تعاریف ارائه شده، نتیجه گرفت که سرمایه اجتماعی، دارای دو بعد ذهنی (شناختی) و عینی (ساختاری) مرتبط هم است که به لحاظ تقدم رتبی، بُعد ذهنی مقدم است. به این معنا که شبکه مشارکت کارآمد و انسجام اجتماعی از منابع معرفتی (باورها، ارزش‌ها و اعتماد)، تغذیه فکری و ادراکی می‌شود و در نهایت از مجرای شبکه ارتباطات و مشارکت اجتماعی تعمیم می‌یابد و بر سیاست و حکومت تأثیر می‌گذارد.

ج) مفهوم «اتحاد جماهیر آزاد و مستقل اسلامی»

مفهوم اتحاد جماهیر آزاد اسلامی، مرکب از سه مفهوم «وحدت»، «جماهیر آزاد» و «اسلامی» است. مراد از جمهوری‌های آزاد، کشورهای اسلامی مستقل و آزاد از سلطه بیگانگان (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۶: ۲۰۴) و نفوذ استعمارگران (همان، ج ۲۰: ۴۶۰) است. مراد از اسلامی، ابتدای حکومت بر اساس موازین الهی و قوانین اسلامی (همان، ج ۵۲۲: ۱۱) است. مراد از اتحاد و وحدت، همگرایی و اتحاد دول و کشورهای اسلامی بر محور استقلال سیاسی و ارزش‌های اسلامی (همان، ج ۱۸: ۹۲) است.

بنابراین، مراد از واژه ترکیبی «اتحاد جمهوری آزاد اسلامی»، وحدت کشورهای اسلامی بر اساس اصول مشترک فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و در قالب «یک دولت اسلامی یا جمهوری‌های آزاد و مستقل» (امام خمینی، ۱۳۶۹: ۸۷) است.

با توجه به مطالب پیش گفته، مهم‌ترین مؤلفه‌های «اتحاد جمهوری‌های آزاد و مستقل اسلامی» عبارتند از: استقلال جمهوری‌های آزاد، اسلامیت، همگرایی در چارچوب ارزش‌های مشترک اسلامی، داشتن بازار مشترک اقتصادی، داشتن سیاست خارجی واحد، دارا بودن سازمان نظامی و ارتش مشترک، دارا بودن کنگره و پارلمان مشترک و نیز ایجاد پول واحد اسلامی، که بحث از هر کدام از آنها، مقاله مستقلی را می‌طلبد و از حوصله و چارچوب این نوشتار خارج است.

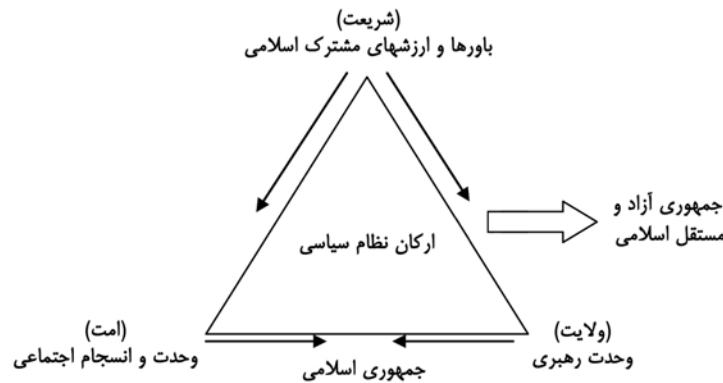
۴. مبانی و مؤلفه‌های مفهومی «مدل اتحاد جماهیر آزاد اسلامی»

قبل از ورود به بحث، یادآوری چند نکته مهم لازم است. نکته اول، اینکه در اندیشه امام، نظریه وحدت و انسجام اسلامی از درون مفاهیم متضاد و متعارض، قابل فهم و درک است. اندیشه امام خمینی(ره) بر خلاف نظریه بسیاری از نظریه‌پردازان مختلف، از حالت تک‌بعدی و افراطی یا تفریطی فراتر رفته است؛ برای مثال اگر در فقه، عده‌ای به فقه سنتی و دیگران به فقه نوگرای صرف معتقد بودند، نظریه امام، «فقه سنتی پویا» است؛ اگر در میدان عمل، عده‌ای به عمل‌گرایی و عده دیگر به آرمان‌گرایی تمایل دارند، امام خمینی(ره) «آرمان‌گرای واقع‌بین» است؛ اگر در میان گرایش‌های دینی، عده‌ای رویکرد عرفانی بریده از فقه بودند و دغدغه‌شان باطن دین بود و عده‌ای دیگر به فقه و ظواهر اخبار عنایت داشتند، امام خمینی(ره) «فقیه عارف» است؛ یا اگر در سیاست و حکومت، عده‌ای بر جمهوریت و رأی مردم تأکید داشتند و عده‌ای دیگر بر اسلامیت، ایشان بر «جمهوری اسلامی» تأکید می‌نمودند. در موضوع وحدت اسلامی هم اگر در جهان اسلام، عده‌ای برای وحدت، پیشنهاد عدول از اصول تشیع را می‌دادند و عده‌ای دیگر به بهانه دفاع از ولایت، به اختلافات دامن می‌زدند، امام خمینی(ره) ضمن دفاع از آموزه‌های دینی و فرهنگی، منادی وحدت شیعه و سنی بود. واقعیت این است که نظریه‌پردازی در لبه دو نظریه آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی، جمهوریت و اسلامیت، مقبولیت و مشروعیت، انتصاب و انتخاب، بسیار دشوار و تنها کار شخصیت‌های غیرمعمول، خلاق، نقاد و فعال تاریخ است که امام خمینی(ره)، یکی از چهره‌های شاخص آن است. (منصورزاد، ۱۳۷۶: ۴۵۴)

نکته دومی که به درک مفاهیم و مؤلفه‌های اتحاد و انسجام اسلامی کمک مؤثری می‌کند، اصول و قواعد سیاست خارجی از منظر امام خمینی(ره) است. از دیدگاه ایشان این اصول عبارت‌اند از: اصل نفی سبیل و سلطه بیگانگان، (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۴: ۶۶) اصل دعوت و تبلیغ و صدور اسلام، (همان، ج ۱۸: ۱۴۳ و ج ۱۵: ۱۹۹ و ج ۱۸: ۱۳۲) اصل تولی و تبری، (همان، ج ۲: ۲۱-۱۷ و ج ۲۱: ۱۶۹-۲۰۶) اصل پایبندی به پیمان‌ها، (همان، ج ۳: ۲۷۳-۲۷۷ و ج ۲۱: ۱۹۶) اصل تألیف

قلوب، (همان، ج ۱۱: ۲۶۵-۲۶۶ و ج ۱۲: ۱۹-۲۴) اصل نه شرقی نه غربی، (همان، ج ۴: ۱۹۵ و ج ۱۲: ۱۲۲) اصل حفظ کیان اسلام، (همان، ج ۱: ۸۴ و ج ۱۳: ۴۴) اصل احترام متقابل، اصل حفظ استقلال کشورها و عدم مداخله در امور داخلی آنها و... از میان اصول فوق، اصل تولی و تبری، اصل تألیف قلوب، اصل نه شرقی نه غربی و نیز اصل استقلال، به طور مستقیم و غیرمستقیم در مسئله وحدت و انسجام اسلامی به عنوان مهم‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی اسلام، نقش حساسی را ایفا می‌کنند.

نکته سوم، مربوط به ارکان اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) در سیاست داخلی، خارجی و جهان اسلام است. این ارکان در عرصه داخلی عبارت‌اند از: ۱. وحدت رهبری؛ ۲. وحدت شریعت؛ ۳. وحدت و انسجام اجتماعی. در واقع، از منظر امام، مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی اسلامی که موجب وحدت و انسجام اجتماعی و در پی آن سبب پیروزی انقلاب اسلامی شده: ارزش‌های اسلامی مشترک، برحول رهبری واحد و مشترک بوده است؛ کما اینکه عوامل شکست و اختلاف در نبود عناصر سه‌گانه فوق است. (مقیمی، ۱۳۸۶)



اما در عرصه سیاست خارجی، سه مفهوم، جلوه بیشتری دارند: ۱. اصل نفی سبیل و سلطه؛ ۲. اصل دعوت و صدور معنویت اسلام؛ ۳. اصل نه شرقی نه غربی. در عرصه جهان اسلام نیز سه مفهوم کلیدی ذیل، به عنوان شرط لازم برای وحدت و انسجام دول اسلامی اهمیت بسیاری دارند: ۱. اصل استقلال و آزادی؛ ۲. اصل بیداری اسلامی؛ ۳. اصل وحدت اسلامی. اکنون می‌توان به لحاظ مفهومی، این سؤال مهم را طرح نمود که: از منظر امام خمینی(ره)، کلیدی‌ترین مبانی و مؤلفه‌های مفهومی زمینه‌ساز مدل اتحاد و انسجام اسلامی به عنوان سرمایه اجتماعی کدام‌اند؟ برای پاسخ به سؤال فوق، یک بار دیگر به کلمات و عبارات امام خمینی(ره) درباره اتحاد و انسجام اسلامی مراجعه

می‌کنیم. مهم‌ترین مبانی و مؤلفه‌های معرفتی و ساختاری‌ای که در ایجاد وحدت و انسجام اسلامی به عنوان مهم‌ترین مؤلفه تحقق اتحاد جماهیر آزاد و مستقل اسلامی، نقش کلیدی و مبنایی ایفا می‌کنند عبارت‌اند از:

الف) توحید، قرآن و سنت نبوی (مؤلفه‌های معرفتی)

بی‌تردید، سه مؤلفه فوق، مبنایی‌ترین و پرمایه‌ترین عناصر معرفتی و ذهنی وحدت اسلامی در آرای فکری - فرهنگی امام خمینی(ره) است: «وحدت در قوی‌ترین و صادق‌ترین و پرمایه‌ترین و حقیقی‌ترین مصادیق تحقق خود، «وحدت» ذات اقدس الهی است... و بقیه مصادیق وحدت، جملگی با «کثرت» در آمیخته‌اند». (حجتی کرمانی، ۱۳۷۷: ۸۵)

بعد از توجه به این نکته پایه‌ای درباره وحدت و انسجام اسلامی، باید اظهار داشت که از منظر امام خمینی(ره)، «کشورهای اسلامی» در عین کثرت مذهبی، تضادها و دشمنی‌های تاریخی، در اصول پایه‌ای و نظری، سرمایه‌های اجتماعی مهمی دارند که مظهر و تجلی همگرایی و انسجام هستند.

از منظر امام خمینی(ره) وحدت مسلمانان، تجلی توحید اعتقادی آنهاست؛ از این رو یکی از مقاصد بزرگ انبیا، توحید کلمه از مجرای کلمه توحید بوده که در پیشرفت مقاصد بزرگ اسلامی و تشکیل مدینه فاضله، نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است. در حقیقت، مقصد بزرگ انبیا جز در سایه انسجام نفوس، اتحاد و الفت جوامع اسلامی محقق نمی‌شود (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۳۰۹-۳۱۱) و لذا «از مسائل مهم سیاسی قرآن، دعوت به وحدت و منع از اختلاف است». (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۶: ۳۷) قرآن بعد از تأکید بر «واعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا»، می‌فرماید: «و لا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم». (همان: ۳۹)

از این رو نظریه «وحدت دول اسلامی» امام خمینی(ره) در چارچوب نظری وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت قابل ترسیم است؛ لذا مرزهای کشورهای اسلامی صرفاً کثرت جغرافیایی است: «مسلمانان باید با هم ید واحده باشند... اینها باید دست واحد باشند، مجتمع باشند، یکی باشند، خودشان را از هم جدا ندانند. مرزها را اسباب جدایی قلب‌ها ندانند، مرزها جدا، قلب‌ها با هم». (همان، ج ۱۰: ۲۲۳) «البته سنی و شیعه در عقاید [خود]... آزادند... عقاید مختلف، اسباب اختلافات خارجی چرا بشود». (همان، ج ۲۰: ۳۳)

از این رو «کلمه توحید و توحید کلمه» (همان، ج ۱۸: ۸۸) از منظر امام خمینی(ره) دو روی یک سکه‌اند. اگر کلمه توحید «لا اله الا الله» که روح و جان اعتقادات و ارزش‌های مسلمانان است با توحید کلمه (وحدت و انسجام اسلامی)، که توصیه خداوند و پیامبر اکرم(ک) است، ترکیب گردد، جامعه فاضله توحیدی شکل می‌گیرد و زمینه احیای مجدد تمدن اسلامی فراهم می‌گردد:

سیاست متعالیه

- سال سوم
 - شماره هشتم
 - بهار ۹۴
- مؤلفه‌های معرفتی و ساختاری سرمایه اجتماعی اسلام در مورد تحقق... (۱۲۵ تا ۱۴۴)

منطق انبیا این است که: اشداء باید باشد بر کفار و بر کسانی که بر ضد بشریت هستند، بین خودشان هم رحیم باشند. (همان، ۱۹: ۱۹۶) خالقی که... به کتب مقدس آسمانی اش... طریق برخورد با مؤمنین و دوستان خود و ملحدین و مستکبرین و دشمنان خویش را آموخته [که] محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم (همان، ج ۲۰: ۱۰۹) ما به حبل خدا و پیامبر... چنگ زده ایم و جداً باید از هر آنچه غیر رضایت آنان است، متنفر باشیم. (همان، ج ۲۱: ۸) شما همه، ملت اسلام، تابع پیامبر و پیرو دستورات قرآن مجید هستید. (همان، ج ۱۹: ۲۷۲)

از عبارات فوق می توان به خوبی استفاده کرد که مبنا و ملاک وحدت و انسجام کشورهای اسلامی از منظر امام خمینی (ره)، اصل توحید و تبعیت از دستورهای قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص) است. در واقع، در سایه ترکیب اصول و مؤلفه های مذکور - که مبین وجود مبانی نظری و اعتقادی وحدت اسلامی از یک سو و تکثر مذهبی جهان اسلام از طرف دیگر است - می توان وحدتی را پی ریزی نمود که تجلی اخوت، برادری و رحمت اسلامی در رفتار جمعی دول و ملل اسلامی در سطوح مختلف منطقه ای و زندگی اجتماعی مسلمانان باشد: «باید کوشش کنید، باید کوشش کنیم که این رحمت ادامه پیدا کند... تفرقه از شیطان است و وحدت کلمه و اتحاد از رحمان است». (همان، ج ۱۷: ۱۸)

به همین دلیل، امام با تعجب از نادیده گرفتن این اصل بنیادین می فرماید: «از مرکز وحی که رسول اکرم (ص) در آنجا مردم را دعوت به اعتصام به حبل الله و وحدت فرموده است، یک آخوند درباری، صدای نفاق برمی دارد و فریاد نفاق انگیز می کشد». (همان، ج ۲۶۳: ۱۵) به عبارت دیگر، از منظر امام خمینی (ره) اختلافات فقهی و مذهبی آن قدر مهم نیستند که از اتحاد و انسجام جهان اسلام جلوگیری کنند و موجب اختلاف شوند: «یک دسته از مسلمانان، شیعه هستند و یک دسته ای از مسلمانان سنی، یک دسته حنفی و دسته ای حنبلی و دسته ای اخباری. اصلاً طرح این معنا، از اول درست نبود... این ها دلیل اختلاف نیست». (همان، ج ۱۲: ۲۵۹)

اشعار عرفانی امام نیز ندای وحدت را از منظر نظام توحیدی هستی تکرار می کند؛ بدان حد که حتی فریاد اناالحق منصور را نشان انیت، ثنویت و تکثر می داند:

بر فراز دار فریاد انا الحق می زنی	مدعی حق طلب، انیت و انا چه شد؟
فریاد اناالحق ره منصور بود	یا رب مددی که فکر راهی بکنیم
	(فوزی، کیهان فرهنگی، ش ۱۵۷: ۱۷)

ب) استقلال، آزادی و جمهوری‌های آزاد (مؤلفه‌های ساختاری)

اگر سه مؤلفه کلیدی پیشین را مفاهیم هویت‌ساز و مبانی معرفتی و ذهنی انسجام و اتحاد دولت‌های اسلامی از منظر امام خمینی (ره) تلقی نماییم، آن‌گاه سه مفهوم فوق را می‌توان مهم‌ترین عناصر ساختاری و عینی برای درمان تفرق و تشتت جهان اسلام فرض نمود. برای روشن شدن موضوع، این سه مفهوم در حد مجال مقاله تبیین می‌شود.

استقلال از منظر امام، به معنای عدم وابستگی، (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۵: ۴۹۰) نفی سلطه و دخالت خارجی، (تبیان، ۱۳۷۶: ۱۹۵) قطع نفوذ بیگانگان، (امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲۱: ۲۸۲) اداره مستقل مملکت (همان، ج ۵: ۱۶) و خروج از نفوذ استعمار (همان، ج ۲: ۴۶۰) است. از دیدگاه امام، استقلال در دو حوزه درونی و قابل تأمین است. استقلال در حوزه درونی، پیش‌شرط نیل به استقلال در حوزه بیرونی است. (عارفی، فصلنامه معرفت، ش ۱۳: ۷۹) بدین لحاظ، استقلال بر دو پایه استوار است: اول: آزادی از قیود فکری و فرهنگی غرب و بازگشت به هنجارها و ارزش‌های اسلامی؛ دوم: استعمارزدایی از سرزمین‌های اسلامی. ایشان ابعاد دوگانه استقلال فوق را این‌گونه ترسیم می‌نماید:

بزرگ‌ترین وابستگی ملت‌های مستضعف به ابرقدرت‌ها و مستکبرین، وابستگی فکری و درونی است که سایر وابستگی‌ها از آن سرچشمه می‌گیرد و تا استقلال فکری برای ملتی حاصل نشود، استقلال در ابعاد دیگر حاصل نخواهد شد. برای به دست آوردن استقلال فکری و بیرون رفتن از زندان وابستگی، خود و مفاخر و آثار ملی و فرهنگی خود را دریابید. (امام خمینی، ۱۳۶۲، دفتر اول: ۱۸۶)

عبارت فوق، ضمن تأکید بر بعد خارجی استقلال، آن را مبتنی بر استقلال درونی و فکری - فرهنگی نموده است. به تعبیر دیگر، قطع نفوذ بیگانگان در اداره مستقل مملکت، (امام خمینی، صحیفه نور، ج ۵: ۱۶) نیازمند بازگشت به مفاخر فرهنگی و معرفتی خویش است که در قسمت قبلی، تحت عنوان «توحید، قرآن و سنت نبوی» ذکر نمودیم. بدین لحاظ در بعد نظری، از منظر ایشان استقلال فرهنگی (ذهنی) و طرد خودباختگی و غرب‌زدگی، مقدم بر استقلال سیاسی (عینی)، طرد حاکمیت و سلطه بیگانگان است. امام، این نکته لطیف و دقیق را این‌گونه بیان می‌کند: «تا این غرب‌زده‌هایی که در همه جا موجودند از این مملکت نروند یا اصلاح نشوند، شما به استقلال نخواهید رسید». (همان، ج ۱۰: ۲۹۱) نکته مهم دیگری که در فهم استقلال از منظر امام (ره) اهمیت جدی دارد، نسبت مفهوم استقلال از دیدگاه ایشان است. بدین معنا که در جهان امروز، نه می‌توان به نفی مطلق استقلال قائل بود و نه در تحقق استقلال اظهار تردید کرد. در حقیقت، استقلال حقیقی، مفهومی چند بعدی و مشکک است که تحقق همه آن‌ها تقریباً غیر ممکن است؛ چون کسب استقلال کاملاً در

سیاست متعالیه

- سال سوم
- شماره هشتم
- بهار ۹۴

مؤلفه‌های معرفتی
و ساختاری سرمایه
اجتماعی اسلام
در مورد تحقق...
(۱۲۵ تا ۱۴۴)

همه حوزه‌های گوناگون فرهنگی، ارتباطی، سیاسی، اجتماعی، نظامی و... بسیار دشوار می‌نماید. (جمشیدی، ۱۳۸۴: ۴۵۶-۴۵۷) ایشان مطلب فوق را این گونه بیان می‌کنند: «استقلال فکری، استقلال روحی ما را از دستمان گرفتند، این بدتر از آن استقلال‌گرفتنی بود که کشور ما استقلال نداشت، ... زیرا بر خلاف وابستگی اقتصادی، نظامی؛ وابستگی فکری بسیار غیرقابل جبران است. زیرا فکر می‌کنیم که خودمان چیزی نداریم». (امام خمینی، ۱۳۶۲، دفتر ۲۲: ۱۱۹)

از طرف دیگر از منظر امام خمینی (ره) راهکار انزوایی به منظور کسب استقلال در ابعاد گوناگون مردود است، چون این راهکار منجر به قطع ارتباط با دنیای خارج و دور شدن از واقعیات و الزامات زندگی است. وی این مطلب را این گونه بیان می‌نماید: «ما نمی‌خواهیم در یک کشوری زندگی کنیم که از دنیا منعزل باشد... این غیر معقول است. امروز دنیا مانند یک عائله و یک شهر است... وقتی دنیا وضعش این طور است، ما نباید منعزل باشیم... اسلام یک نظام اجتماعی و حکومتی است و می‌خواهد با همه عالم روابط داشته باشد». (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۹: ۴۱۳)

مؤلفه‌های عینی دوم و سوم، آزادی و جمهوری‌های آزاد است. اصولاً بحث از آزادی در بعد داخلی دولت‌ها، قابل طرح و ارزیابی است. اهمیت این مسئله از آن جهت قابل توجه است که دولت‌های ملی آزاد، ارکان اساسی «دولت بزرگ اتحاد جماهیر اسلامی» را تشکیل داده و نقش محوری در شکل‌دهی و پیشبرد اهداف و برنامه‌های آن را به عهده می‌گیرند. بدین لحاظ، «دولت بزرگ اسلامی» متشکل از «جمهوری‌های آزاد اسلامی» است که پیام‌آور دولت‌های مردمی و غیراستبدادی می‌باشد. چون رژیم‌های استبدادی ماهیتاً با منافع مردمی سازگاری ندارند و عمدتاً در مسیر اهداف بیگانگان عمل می‌نمایند: (عارفی، فصلنامه معرفت، ش ۱۳: ۸۰)

اگر ان شاء الله آن وحدت بین مسلمانان دولت‌های کشورهای اسلامی که خداوند تعالی، رسول عظیم‌الشأن خواسته‌اند و امر به آن و اهتمام در آن فرموده‌اند حاصل شود، دولت‌های کشورهای اسلامی با پشتیبانی ملت‌ها می‌توانند... بزرگ‌ترین قدرت را در جهان به دست آورند... و از ننگ خضوع در برابر ابرقدرت‌ها نجات یابند و شیرینی استقلال و آزادی را می‌چشند و برای به دست آوردن چنین قدرتی لازم است هر یک از دولت‌ها با تفاهم با ملت خود برای دفاع از کشورشان یک چنین طرح حیات‌بخشی را در دست مطالعه قرار دهند. (همان، ج ۱۸: ۹۲)

بنابراین در اندیشه انسجام اجتماعی و همبستگی دولت‌های اسلامی، سه مفهوم «آزادی» افراد مسلمان، «استقلال» از نفوذ بیگانگان و «ساختار جمهوریت» در یک شبکه ارتباطی مرتبط به هم قرار دارند که هرگونه خلل در یکی، موجب خلل در هویت تمدنی و کنفدراسیون دول اسلامی است؛ چراکه «اول مرتبه تمدن، آزادی ملت است.» (همان، ج ۱۱: ۴۲) بدین لحاظ، «دولت اسلامی یک دولت دموکراتیک به معنای واقعی است.» (همان، ج ۴: ۱۴۱) «در اسلام، دموکراسی مندرج است و مردم آزادند در اسلام.» (همان، ج ۴: ۲۳۴) از منظر امام خمینی (ره) وجود دولت‌های وابسته و استبدادی، مانع اصلی در هویت جمعی و انسجام اسلامی است و لذا «براندازی طاغوت به معنای قدرت‌های ناروایی که در سراسر وطن اسلامی برقرار است، وظیفه همه ماست.» (امام خمینی، ۱۳۶۲، ج ۱۵: ۱۳۹)

امام خمینی (ره) به خوبی دریافته بود که احیای تمدن اسلامی و تشکیل دولت بزرگ اسلامی، بدون همیاری مردم و جمهوری‌های آزاد اسلامی ممکن نیست و این مسئله محقق نمی‌شود مگر اینکه رژیم‌های غیر مردمی و وابسته، مشارکتی و مردمی شوند: «ما می‌خواهیم که همه ممالک اسلامی اولاً در محیطی که خودشان به حسب حکم اسلام بین حکومت و بین مردم مخالفت نباشد و همه با هم باشند. (تبیان، ۱۳۷۶، ج ۱۵: ۱۸۱) دولت‌ها بیایند قبل از اینکه خود ملت‌ها قیام بکنند، خود دولت‌ها بیایند خاضع بشوند، با هم دوست بشوند.» (امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۸: ۱۹۵)

با توجه به مطالب پیش گفته، می‌توان این جمله امام خمینی (ره) را به عنوان جمع‌بندی همه مطالب پیش گفته بیشتر درک نمود: «وصیت من به همه مسلمانان و مستضعفان این است که... در زیر پرچم پرافتخار اسلام، مجتمع... و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقلی به پیش روید.» (امام خمینی، ۱۳۶۹: ۸۷)

ج) بیداری اسلامی مردم و نخبگان (مؤلفه‌های بصیرتی سرمایه اجتماعی و انسجام اسلامی)
سومین راهبرد امام خمینی (ره) برای خروج از انحطاط و احیای عظمت گذشته اسلامی در پرتو اتحاد و انسجام اسلامی، تحول درونی در سطح ملت‌ها، علما و روشنفکران جوامع اسلامی به عنوان سرمایه اجتماعی است.

در واقع اگر دسته اول مفاهیم پیشین را مفاهیم ذهنی، معنوی و اصول مشترک دینی (امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۷: ۷۷) به مثابه مهم‌ترین سرمایه اجتماعی اسلام برای وحدت و انسجام اسلامی فرض کنیم و دسته دوم مؤلفه‌های پیشین را مؤلفه‌های عینی وحدت و انسجام دول اسلامی تصور نماییم، بیداری اسلامی و حضور فعال نخبگان دنیای اسلام را می‌توان مهم‌ترین شرط و عامل عینی جامعه‌شناختی برای تحقق دو دسته از مؤلفه‌های فوق به شمار آورد.

امام خمینی(ره) برای توضیح این مسئله از واژه‌هایی نظیر «تحول درونی»، «بیداری قلبی»، «بازگشت به هویت اصیل» (عارفی، فصلنامه معرفت، ش ۱۳: ۷۸) و «آگاهی توده‌های مردمی» بهره می‌جوید که اساس آن بازگشت به تعالیم اسلام ناب محمدی است. (حمیدی، ۱۳۸۶)

وظیفه ما این است که از حالا برای پایه‌ریزی یک دولت حقه اسلامی کوشش کنیم، تعلیمات بدهیم، همفکر بسازیم، یک موج تبلیغاتی و فکری به وجود آوریم تا یک جریانی اجتماعی پدید آید و کم‌کم توده‌های آگاه، وظیفه‌شناس و دیندار در نهضت اسلامی متشکل شده قیام کنند و حکومت اسلامی تشکیل دهند. تبلیغات و تعلیمات دو فعالیت مهم و اساسی ماست. (امام خمینی، ۱۳۵۷: ۱۷۵)

براساس آموزه فوق، مهم‌ترین راهبرد مبارزاتی در جهت بسترسازی تأسیس دولت بزرگ اسلامی، تعلیم و تربیت و نهضت فکری فرهنگی است؛ «چراکه وضعیت ناپه‌نچار کنونی جهان اسلام معلول عوامل گوناگونی مانند انحطاط فکری و اعتقادی مسلمانان و سلطه قدرت‌های استعماری و رژیم‌های استبدادی بر آن است که در جهت مسخ هویت واقعی امت اسلامی و نیز غارت منابع زیرزمینی آنها گام بر می‌دارند». (عارفی، فصلنامه معرفت، ش ۱۳: ۷۸)

از منظر ایشان، بازگشت به هویت اصیل خود، به عنوان سرمایه‌های ذهنی و معرفتی سرمایه اجتماعی، بدون تعلیم و تبلیغ اسلام ناب توسط نخبگان مسلمان و بیداری توده مردم ممکن نیست. بدین لحاظ، مهم‌ترین مسئولیت نخبگان مسلمان، پرهیز از اسلام رسانه‌های شرق‌شناسانه غربی و تفسیر درست اسلام است: «علمای اسلام وظیفه دارند از احکام مسلمانه اسلام دفاع کنند، از استقلال ممالک اسلامی پشتیبانی نمایند، از ستمکارها و ظلم‌ها اظهار تنفر کنند». (امام خمینی، ۱۳۶۲، دفتر ۱۴: ۳۴۰)

از این‌رو نخبگان دینی و روشنفکران اسلامی، عهده‌دار مسئولیت سنگین دفاع از اسلام ناب، استقلال، آزادی و احیای باورهای مشترک انسجام‌بخش، جهت تحقق عینی «کنفدراسیون دول اسلامی» هستند. «وظیفه علمای اسلام است، وظیفه دانشمندان مسلمانان است، وظیفه نویسندگان و گویندگان طبقات مسلمانان است... که هشدار بدهند به ممالک اسلامی که ما خودمان فرهنگ غنی داریم... مسلمان‌ها باید خودشان را پیدا کنند». (همان، دفتر ۱۵: ۲۱۵)

امام خمینی(ره) برای دست‌یابی به بیداری مردمی، راهکارهای متعددی از جمله حج ابراهیمی و روز جهانی قدس را به نخبگان دینی توصیه می‌نماید:

من از عموم مسلمانان جهان و دولت‌های اسلامی می‌خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن، به هم بپیوندند و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می‌کنم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که ایام قدر است و می‌تواند تعیین کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد، به عنوان «روز قدس» انتخاب، و طی مراسمی همبستگی بین‌المللی مسلمانان را... اعلام نمایند. (امام خمینی، صحیفه نور، ج ۸، ۲۲۹)

ایشان در مورد نقش حساس علمای بیدار اسلام در ایام حج، این چنین بیان داشتند: لازم است که متعهدان و بیداران و دلسوزان برای غربت اسلام... با قلم و بیان و گفتار و نوشتار به کوشش برخیزند؛ خصوصاً در ایام مراسم حج که پس از این مراسم عظیم، انسان‌ها می‌توانند در شهر و دیار خود با توجه به این بعد عظیم، مسلمانان و مظلومان جهان را بیدار... و مسائل اساسی اسلام و مسلمانان را [طرح نمایند]. (همان، ج ۱۹: ۴۳)

علمای اعلام و خطبای معظّم، مسلمانان را به جهات سیاسی و وظایف بسیار خطیرشان آگاه سازند؛ وظایف خطیری که اگر مسلمانان جهان به گوشه‌ای از آن توجه کرده و عمل کنند، عزتی که خداوند برای مؤمنین قرار داده است، بازیابند. (همان، ج ۱۵: ۱۲۳)

نکته شایان ذکر دیگر اینکه به نظر می‌رسد که هم اکنون بیش از سه دهه، سیاست‌ها و تحولات منطقه‌ای متأثر از آرای سیاسی دینی نهضت امام خمینی است. این در حالی است که با عدم توفیق نهضت‌هایی همچون مشروطه، ملی شدن نفت، جمال عبدالناصر، سید جمال، اقبال، نواب صفوی و... منطقه خاورمیانه بزرگ، همچنان روند لیبرالیزه شدن را طی می‌کرد و همه امیدهای بازگشت به احیای مجدد تمدن اسلامی، به یأس مبدل شده بود. اما ورود امام خمینی(ره) در صحنه سیاست‌های منطقه‌ای جهان اسلام و روابط بین‌الدول اسلامی با مؤلفه‌ها و گزاره‌های دینی، بارقه امید شد و چهره وی را فراملی و الگوی رفتاری نهضت‌ها و جنبش‌های اسلامی قرار داد، به گونه‌ای که تحلیلگران مسائل ایران در کشورهای غربی، ظهور امام خمینی(ره) را به عنوان روند جدیدی در تحولات سیاست بین‌الملل دانستند. ریچارد فالک - از سرشناس‌ترین پژوهشگران خاورمیانه‌ای ایالات متحده - در آستانه انقلاب اسلامی ایران، تحلیل خود را نسبت به رنسانس اسلامی خاورمیانه این چنین بیان می‌دارد:

خاورمیانه با ناامیدی به حیات خود ادامه می‌داد؛ زیرا هیچ یک از رهبران به حقارت شکل گرفته در ذهن و روحیه مردم توجهی نداشته است. آنان به دنبال نقطه امیدی

می‌گشتند که حداقل، حرف دل آنها را بر زبان جاری ساخته و عقده‌های متراکم شده را آزاد نماید. آیت‌الله خمینی چنین جسارتی را به آنان خواهد داد و مردم خاورمیانه را برای دستیابی به آرزوهایشان کمک خواهد کرد. خمینی، مرد پرفروغ منطقه خواهد بود، چون آنان را برای آزادی و غرور کمک خواهد کرد. (متقی، فصلنامه علوم سیاسی، ش: ۵: ۲۷۹)

چنین برداشت‌هایی، بیان‌گر ورود گفتمان جدید و مستقلمی با هویت اصیل اسلامی به صحنه روابط جهان اسلام بوده است که نه تنها جنبه انتقادی به اصول حاکم بر روابط بین‌الملل دارد، بلکه سیاست خارجی دول اسلامی و غیر اسلامی را مسحور ایده‌های ضد سلطه و هژمونیک‌ستیزی خویش نموده است. در واقع، اساس این ایده، استقلال و آزادی (امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲: ۱۵) دول و ملت‌های اسلامی از قدرت‌ها و بازگشت به آرمان‌های اسلامی بوده است؛ (همان: ۱۲۸) امام خمینی(ره)، کما اینکه اصول و قواعد سیاست داخلی خود را از فقه، کلام و مبانی اسلامی استنباط می‌نمودند، انسجام اسلامی جهان اسلام را نیز بر اساس اصول و قواعد اسلامی بنا نهادند؛ از این رو ضمن حفظ مرزبندی‌های جغرافیایی جدید (دولت - ملت) بر ضرورت ایجاد کنفدراسیون دول اسلامی (اتحاد جمهوری‌های آزاد اسلامی) به منظور برون‌رفت از بحران تفرقه دول‌های اسلامی مطرح نمودند.

بیداری اسلامی ← (احیای سرمایه‌های معرفتی اسلام ← تحقق مؤلفه‌های ساختاری) ← وحدت و انسجام اسلام ← اتحاد جماهیر آزاد اسلامی

۵. مدل و نظریه «اتحاد جمهوری‌های آزاد اسلامی»

از مجموع مباحث مفهومی پیشین، چند نکته مهم برای مدل‌یابی سرمایه انسجام اسلامی از منظر امام خمینی(ره)، قابل درک است.

نکته اول، اینکه نظریه اتحاد و انسجام دول اسلامی امام، یک معادله چند مجهولی را به تصویر می‌کشد که در نهایت به اتحاد جماهیر آزاد اسلامی و یا به تعبیر خودشان به یک «دولت بزرگ اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل» (همان، ج: ۱۸: ۱۹۵) منتهی خواهد شد. اولین اقدام لازم، توجه عالمانه به مهم‌ترین اصول اعتقادی مشترک (توحید، سنت نبوی، معاد و قرآن) فرقی و مذاهب اسلامی است. در حقیقت اگر این معادله که در سطح معنوی و اعتقادی - فرهنگی مطرح است حل شود، شرایط روحی و باورهای دینی - اعتقادی اتحاد و انسجام اسلامی، نقش حساس خود را باز خواهد یافت.

دومین نکته حائز اهمیت در ترسیم الگوی اتحاد جماهیر آزاد اسلامی امام خمینی(ره)، به پدیده مخرب استعمار در تاریخ معاصر جهان اسلام مرتبط می‌شود. مؤلفه استعمار که در مراحل مختلف و به تناسب شرایط زمانی، تاکنون چهره‌های متفاوتی (استعمار قدیم،

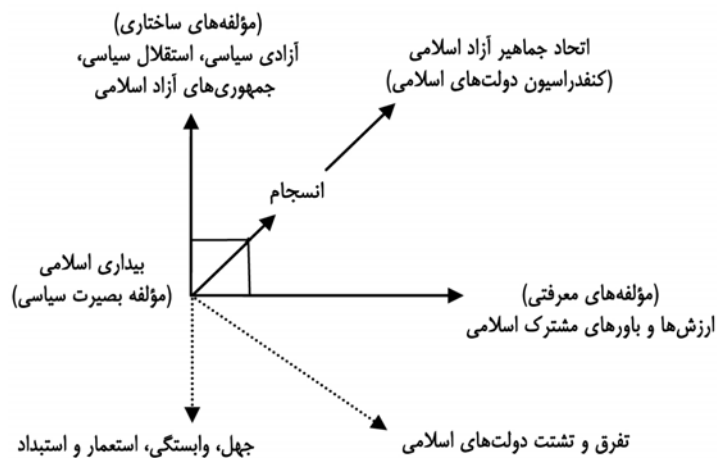
سیاست متعالیه

- سال سوم
- شماره هشتم
- بهار ۹۴

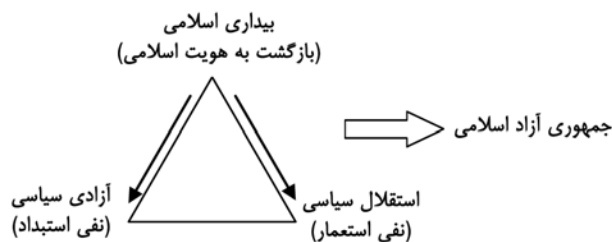
مؤلفه‌های معرفتی و ساختاری سرمایه اجتماعی اسلام در مورد تحقق... (۱۲۵ تا ۱۴۴)

استعمار نو و فرا استعمار) به خود گرفته، از منظر امام(ره) مهم‌ترین مؤلفه منفی و مانع خارجی اتحاد جمهوری‌های آزاد اسلامی است. در حقیقت، مهم‌ترین کارویژه قدرت‌های استعماری، نابودی استقلال سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشورهای اسلامی و نیز تبدیل حکومت‌ها و جمهوری‌های آزاد و مستقل اسلامی به حکومت‌های وابسته، استبدادی و فاقد مقبولیت مردمی بوده است. بدین لحاظ، دومین مؤلفه معادله، به جنبه سیاسی - اجتماعی انسجام مرتبط است. به تعبیر دیگر، تا در سطح دولت‌ها و هیأت حاکمه سیاسی کشورهای اسلامی، عزم استقلال و اتکا به قدرت عظیم مردمی ایجاد نشود، جمهوری‌های آزاد اسلامی، که نقطه عزیمت کنفدراسیون دول اسلامی است، محقق نمی‌گردد. در همین عرصه، مفهوم آزادی که امام خمینی(ره) همواره آن را در کنار استقلال و جمهوری اسلامی مطرح می‌نمودند، جایگاهی معنادار در منطق درونی نظریه اتحاد و انسجام اسلامی می‌یابد.

سومین نکته جهت تحقق عینی نظریه «اتحاد جماهیر آزاد اسلامی»، به بیداری توده‌ها و جامعه مدنی بر می‌گردد. از منظر امام خمینی(ره)، بدون حضور آگاهانه مردم در صحنه زندگی اجتماعی، وفاق اجتماعی و تأسیس جمهوری‌های آزاد اسلامی در سطح جهان اسلام، محقق نمی‌گردد. در واقع، مسیر تحولات و تغییرات اجتماعی از کانال تحولات درونی و بیداری اسلامی - سیاسی توسط علمای بیدار و دلسوز مسلمان می‌گذرد. لذا فریادهای مکرر آن فقیه بصیر به علماء، اندیشمندان، دانشگاهیان و حوزویان جهت بیداری و اینکه به «داد اسلام برسید»، همگی در همین زمینه قابل تفسیر است. می‌توان مطالب فوق را بر روی نمودار ذیل این گونه نشان داد.



چنان که در نمودار فوق نشان داده شده است، برای رسیدن به اتحاد و انسجام اسلامی به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم سرمایه اجتماعی، به منظور تأسیس دولت بزرگ اسلامی باید سه مسئله حل شود. برای حل این سه مسئله، نیازمند سه کلیدواژه مهم هستیم. ابتدا بیداری اسلامی و بازگشت به اصول مشترک معرفتی اسلام، سپس نفی وابستگی و استعمار خارجی (استقلال سیاسی) و بالاخره ایجاد پیوند مشارکتی بین حکومت و مردم در کشورهای اسلامی (آزادی سیاسی). مطالب فوق را می‌توان بر روی مثلث سه بعدی ذیل بازسازی نمود:



از نظر امام خمینی (ره) استعداد جمع‌گرایی در ارزش‌های اسلامی در کنار بیداری اسلامی جوامع اسلامی از یک سو و نیز بازگشت دولت‌های اسلامی به استقلال در کنار آزادی سیاسی مردم از طرف دیگر، ساز و کاری را شکل می‌دهند که امکان وصول به اتحاد جماهیر آزاد اسلامی، در سطح جهان اسلام را فراهم می‌نماید. چنان که در نمودار پیشین نشان داده شد، «کنفدراسیون دولت‌های اسلامی» از میان دو دسته مؤلفه‌های مهم اعتقادی - فرهنگی (ذهنی) و سیاسی - اجتماعی (عینی و ساختاری) می‌گذرد. تزلزل در هر کدام از ارکان فوق موجب تزلزل در انسجام اسلامی خواهد شد؛ لذا در نمودار پیشین، بردار اتحاد و انسجام اسلامی دقیقاً از وسط دو دسته مؤلفه معرفتی و ساختاری پیش گفته می‌گذرد. در حقیقت اگر شاخص‌ها و مؤلفه‌های معرفتی و ساختاری در مکانیزمی معنادار، به نقطه تعادل نرسد، نقطه جوش انسجام کشورهای اسلامی نیز به وجود نخواهد آمد.

تمسک به باورهای مشترک دینی و بیداری اسلامی ← جمهوری‌های آزاد و مستقل اسلامی ← اتحاد جماهیر آزاد اسلامی

بنابراین از منظر امام خمینی (ره)، کما اینکه تأسیس جمهوری اسلامی داخل سرزمینی بر اساس سه رکن «اسلام، وحدت رهبری و بیداری ملی» استوار است، تأسیس دولت بزرگ اسلامی نیز بر پایه سه رکن «بیداری اسلامی، وحدت و انسجام اسلامی، جمهوری‌های آزاد اسلامی» استوار خواهد بود.

۶. نتیجه‌گیری

به لحاظ فراوانی کاربرد الفاظ در زبان سیاسی امام خمینی، واژه وحدت و انسجام اسلامی یکی از مهم‌ترین کلید واژه‌های مباحث روابط بین‌الدولی اسلامی است. این نوشتار پس از بررسی مفهوم اتحاد و انسجام اسلامی به منزله یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی به این نتیجه منتقل شد که مؤلفه وحدت و انسجام اسلامی از منظر امام دارای دو سطح ملی و منطقه‌ای (جهان اسلام) می‌باشد. به منظور محدود کردن حیطه تحقیق، مفهوم انسجام اسلامی را در سطح منطقه‌ای (کشورهای اسلامی) دنبال نموده و به یافته ذیل دست یافت:

اولاً، وحدت و انسجام اسلامی به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی دارای سه دسته: معرفت‌شناختی، ساختاری و بصیرتی می‌باشد. در سطح معرفتی و ذهنی سه عنصر (توحید، قرآن و سنت نبوی) و در سطح ساختاری سه عنصر (استقلال، آزادی، جمهوریت) و در سطح شناختی و بصیرتی عنصر بیداری اسلامی وجود دارد که عناصر فوق در یک سازوکار معنادار منجر به اتحاد جماهیر اسلامی می‌گردد.

ثانیاً، از آنجا که اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) به شدت جمع‌گراست، به لحاظ نظری و عملی، آسیب مکتب لیبرالیسم را که به شدت فردگراست ندارد و لذا زمینه‌های همگرایی جهان اسلام در آرای وی، بسیار برجسته است و نیز وحدت و انسجام اسلامی را به عنوان استراتژی (نه تاکتیک) و تکلیف شرعی می‌دانستند که ریشه در آموزه‌های دینی دارد.

ثالثاً، از منظر ایشان آنچه بین مؤلفه‌های معرفتی و ساختاری، پیوند منطقی ایجاد می‌کند، مؤلفه بیداری اسلامی در سطح توده مردم و نخبگان است و لذا بیداری اسلامی به لحاظ متغیرهای پژوهشی، نقش متغیر مستقل را ایفا می‌کند.

رابعاً، تا زمانی که حکومت‌ها و دولت‌های اسلامی از مجرای استقلال سیاسی و آزادی سیاسی به جمهوری‌های آزاد اسلامی تغییر ساختار ندهند، دستیابی به همگرایی و انسجام دول اسلامی، غیرممکن است.

خامساً، تنها از تعامل و تضارب مؤلفه‌های ساختاری و معرفتی پیش‌گفته، امکان دسترسی به مدل اتحاد و انسجام اسلامی در قالب و ساختار سیاسی «اتحاد جماهیر آزاد اسلامی» فراهم خواهد شد.

خلاصه آنکه در اندیشه سیاست خارجی امام خمینی، بیداری اسلامی از مجرای معارف و فرهنگ سیاسی اسلامی، سرمایه اجتماعی مهمی به نام اتحاد و انسجام اسلامی را در سطح منطقه‌ای (جهان اسلام) تولید می‌کند که در یک ساز و کار و تعامل چند بُعدی، موجب تأسیس دولت بزرگ اسلامی (اتحاد جماهیر آزاد اسلامی) خواهد شد.

سیاست‌متعالیه

- سال سوم
- شماره هشتم
- بهار ۹۴

مؤلفه‌های معرفتی
و ساختاری سرمایه
اجتماعی اسلام
در مورد تحقق...
(۱۲۵ تا ۱۴۴)

منابع

۱. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۵۷)، ولایت فقیه، تهران، امیرکبیر.
۲. _____ (۱۳۶۲)، در جستجوی راه از کلام امام، دفتر اول، تهران: امیرکبیر.
۳. _____ (۱۳۶۹)، وصیتنامه سیاسی الهی، تهران، موسسه فرهنگی رجاء.
۴. _____ (۱۳۷۶)، چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. _____ (۱۳۸۹)، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۶. بابایی زارچ، علی محمد (۱۳۸۳)، امت و ملت در اندیشه امام خمینی (ره)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۷. تاجبخش، کیان (۱۳۸۹)، سرمایه اجتماعی (اعتماد، دموکراسی و توسعه)، تهران، شیرازه.
۸. تیبیان (۱۳۷۶)، وحدت از دیدگاه امام خمینی (ره)، دفتر ۱۵، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۹. جمشیدی، محمد حسین (۱۳۸۴)، اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، تهران، پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران.
۱۱. علینی، محمد (۱۳۸۷)، رابطه آموزه‌های دینی و سرمایه اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد.
۱۲. فقیه، فاطمه (۱۳۸۷)، سرمایه اجتماعی در اندیشه و عمل امام خمینی، پایان نامه ارشد.
۱۳. منصورنژاد، محمد (۱۳۷۶)، «احیاءگری امام بر مبنای نظریه وحدت از درون تضادها»، مجموعه مقالات، ج ۱، کنگره بین‌المللی احیای تفکر.
۱۴. حمید، نعیم (۱۳۸۶)، «راهبرد اتحاد ملی و انسجام با نگاهی به اندیشه‌های امام خمینی (ره)»، کیهان، ۱۳۸۶/۰۳/۱۷.
۱۵. توسلی، عباسعلی و مرضیه موسوی (۱۳۸۴)، «مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۶، زمستان ۱۳۸۴.
۱۶. چلیبی، مسعود (۱۳۷۲)، «وفاق اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، ش ۳، بهار ۱۳۷۲، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۷. حجتی کرمانی، محمد جواد (۱۳۷۷)، «وحدت از دیدگاه عرفانی - فلسفی و سیاسی امام خمینی (ره)»، فصلنامه حضور، ش ۲۳، بهار ۱۳۷۷.
۱۸. حیدری، محمد شریف (۱۳۸۶)، «موانع وحدت اسلامی در افغانستان»، مجله پگاه اندیشه، سال اول، ش ۱، پاییز ۱۳۸۶.
۱۹. عارفی، محمداکرم، «راهکار وحدت سیاسی جهان اسلام در اندیشه امام خمینی (ره)»، فصلنامه معرفت، ش ۱۳.
۲۰. متقی، ابراهیم، «کارکرد نظام سلطه در روابط بین‌المللی از دیدگاه امام خمینی»، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۵.
۲۱. مجله اندیشه تقریب، سال اول، ش ۲، بهار ۱۳۸۴.
۲۲. مقیمی، غلامحسین (۱۳۸۶)، نشریه هدی، مدرسه علمیه بنت‌الهدی، ش ۱، بهار ۱۳۸۶.